



رویکرد جدید میراث مکتوب:

۱. پژوهش متن ۲. ترویج حرکت احیا ۳. نقد کتاب

طرح‌ها نیمه‌تمام ماند یا به حال تعلیق درآمد. برخی کارها هم به ناشران دیگر واگذار شد. با رونق گرفتن دوباره کارها و رفع موانع، در دو سال گذشته، با بهره‌گیری از همه‌آزموده‌ها، چند برنامه‌آساسی در دستور کار قرار گرفت. نخست، در بدنه‌آجرائی از کمیته نیروها کاسته و در عوض عمدتاً از توان نیروهای کیفی غیرمقیم استفاده شد. برای کاستن از حجم تعهدات زمین‌مانده، قرارداد تعدادی از پژوهش‌های بی‌حاصل را که پی‌گیری‌های مکررمان برای دریافت نمونه‌آنهایی آنها بی‌نتیجه مانده بود فسخ کردیم. در روش کار هم تجدید نظر کردیم؛ یعنی بنا را بر این گذاشتیم که دیگر کارهای ضعیف و سقیم دیگران را درست نکنیم. خاطریم هست یک‌بار در یکی از سرمقاله‌ها همین بحث را پیش کشیده بودیم که «آیا تصحیح یک اثر کار مرکز است یا کار مصحح؟!». اوایل، هر کار ضعیفی که می‌رسید، با این توجیه که «اصل کار خوب است و حیف است چاپ نشود»، آن را در برنامه‌آکاری مرکز می‌گذاشتیم. چه بسا پس از گوشزد کردن اشکالات کار به مصحح و به رغم سعی بلیغ وی، کار، آنچنان که بایسته‌آ منزلت میراث مکتوب این مرز و بوم است از آب در نمی‌آمد و اصلاح سستی‌ها و رفع کاستی‌های آن، به‌ناچار، به گردن

مرکز پژوهشی میراث مکتوب، در هجدهمین سال تأسیس خود، بر آن است تا جریان احیاء متون کهن را با رویکردی متفاوت پی‌گیرد.

در دهه‌آ نخست فعالیت، سیاست فرهنگی میراث برای احیاء نسخ خطی از این قرار بود که متونی را که خود شناسایی کرده و برای تصحیح به دست محققان سپرده بود، با کمک ناشران فرهنگی و حمایت ارشاد چاپ و منتشر کند. این سیاست، از آن جهت که مقاصدی فرهنگی را تأمین می‌کرد، رویدادی بود فرخنده ولی جریان امور، در عمل، نه تنها خرسندمان نمی‌کرد که به جهاتی حتی نقض غرض بود. متون کهن فارسی در واقع شناسنامه‌آ ملی و فرهنگی ماست؛ دریغ بود که بر بالای رشید و باندام این میراث ملی و سرمایه‌آ فرهنگی جامعه‌آی ناساز پوشانده شود. بنابراین با تجدید نظر در آن برنامه‌آ اولیه، تصمیم گرفتیم کار را به شیوه‌آی دیگر انجام دهیم. مجوز نشر گرفتیم و امتیاز تمام عناوین منتشره را از ناشران خریدیم. به این ترتیب، هم امکان پی‌گیری و بررسی کارهای در دست تحقیق فراهم می‌آمد و هم می‌توانستیم کارها را به افراد مستعد و علاقه‌مند سفارش دهیم. بیش از ۱۵۰ قرارداد با پژوهشگران بسته شد، اما متأسفانه مرکز دچار فرازونشیب‌هایی شد و بسیاری از

می نویسند، به خوبی نشان می دهد که غالب این بزرگواران، به چیزی که نمی پردازند، محتوای آن اثر است. کمتر پیش می آید که مصححی در کنار معرفی نسخه های مورد استفاده اش و توصیف ویژگی های ظاهری آنها، به موضوعاتی چون منابع مورد استفاده مؤلف، تأثیر پذیری های او از پیشینیان و اثر گذاری های او بر پسینانش، جایگاه اثر در میان آثار مشابه اش، شناسایی گونه زبان و سبک بیان مؤلف و بدعت ها و بدایعی که در اثرش آورده، نیز اطلاعات دست اولی که کتاب در اختیار خواننده می گذارد، بپردازد. گاه اگر مصحح خودش توانایی — و البته حوصله — تهیه فهرست های لازم و استخراج نمایه را داشته باشد، یا به هر ترتیب ناشر این وظیفه را تقبل کند، کاستی های مقدمه، که نمونه هایش را بر شمردیم، اندکی جبران می شود، ولی افسوس که غالباً همان سلسله علی که مقدمه مصحح را عقیم می کند، بنا بر «عادت»، «جریان» می یابد تا تعلیقات کتاب را نیز ابتر سازد.

این همه، ما را بر آن داشت که در برنامه پژوهش مرکز برای دو موضوع اهمیتی بیش از پیش قائل شویم:

۱. تهیه فهرستی از موضوعات پژوهشی مرتبط با متون و گذاشتن آن در اختیار علاقه مندان، تا اگر موضوعی را به خوبی پژوهیدند و به شایستگی از عهده بر آمدند، حاصل کار با حمایت این مرکز چاپ و منتشر شود؛ به این ترتیب که اگر حجم کار کمتر از ۳۰ صفحه بود، به صورت مقاله، و اگر در حدود ۵۰ تا ۱۰۰ صفحه بود، در قالب ضمیمه یکی از نشریات میراث منتشر شود. اگر هم کار حجم قابل توجهی پیدا کرد، البته به شرط برخورداری از انسجام و استحکام، در قواره کتاب نشر خواهد یافت.

۲. به منظور جهت دادن به تصحیح انتقادی متون نیز، بیش از یکصد نسخه ارزشمند قبل از قرن هشتم را شناسایی کرده ایم و فهرست آنها را، به تفاریق، منتشر خواهد شد تا علاقه مندان متن پژوهی سرمایه گران قیمت وقت را صرف کارهایی کنند که ارزش تصحیح و چاپ را داشته باشد. به این ترتیب، یکی از مشکلات همیشگی دانشجویان و استادان راهنما در دانشگاه ها، یعنی انتخاب متن مناسب برای تصحیح بعنوان موضوع پایان نامه، نیز حل خواهد شد. ممکن است برخی بر این کار خرده بگیرند؛ با این استدلال که

خودمان می افتاد. مصحح محترم نیز این همه را به حساب «وظیفه شناسی» ناشر می گذاشت و — ولو به قدر یاد کردی در مقدمه — به روی مبارکش هم نمی آورد! بسا که کتابی به لطف همین اصلاحات مضاعف و بعضاً نامتعارف، شأنیت دریافت جایزه کتاب فصل یا کتاب سال را می یافت و در این میان آنچه مجهول و مغفول می ماند قدر خدمت بی منت ما بود و ضعف کار آن مخدومان بی عنایت.

حال با گذشت این همه سال، بر آنیم که دیگر کار خام و ناتمام نپذیریم. اگر آورده مصحح مقبول افتاد و نکته ها و خرده های داوران و بررسیان نیز به شایستگی در کار ورزیده شد که فُهوالمطلوب؛ پیمان می کنیم. و الا فلا؛ برمی گردانیم؛ هستند ناشرانی که بی هیچ سنجش و داوری مردودی های میراث مکتوب را چاپ کرده اند و می کنند.

گمانمان بر آن است که با انتشار نزدیک به ۲۵۰ جلد کتاب از متون کهن، با همه کاستی هایی که در کارمان بوده، اصول و شیوه های علمی احیاء متون کهن به اندازه کافی برای مخاطبان شناسانده شده و دانشجویان و استادان، نیز پژوهشگران مستقل، اهمیت این حرکت پربرکت را دریافته اند. با توجه به اینکه در سال های اخیر برخی مؤسسات نیز به نشر کتب و تصحیح و چاپ متون روی آورده اند، بنا داریم — در کنار نشر متون — به امر گسترش زمینه پژوهش، حمایت از محققان، شناسایی نسخ خطی ارزنده در داخل و خارج و تهیه تصاویر آنها و سرانجام، اطلاع رسانی در این حوزه، بپردازیم.

این را نیز می دانیم که دغدغه چاپ منقح متون، مطابق با استانداردهای علمی، نباید ما را از دیگر جنبه اساسی کار، یعنی شناخت متن و تحلیل محتوای آن، بازدارد. این موضوعی است که در سال های اخیر ذهن ما را به خود مشغول کرده است. ظرف یکی دو دهه گذشته شاید بیش از پنجاه مقاله و رساله و کتاب در نسخه شناسی و روش های تصحیح متن نگاشته شده باشد اما در اصول متن شناسی و شیوه های تجزیه و تحلیل متون، دریغ از حتی یک تألیف مستقل و مفید.

خوشبختانه از دو سال قبل این موضوع در دستور کار واحد پژوهش مرکز قرار گرفت و در این باب طرحی هم در دست تهیه و تدوین است.

نگاهی گذرا به مقدمه هایی که مصححان بر کتاب هایشان

شایسته دیگری هم آن متن را در دست تحقیق و نشر دارند، در حد توان به پیشرفت کار ایشان نیز کمک می‌کنیم. ثالثاً، در نظر داریم با فراخ‌ساختن میدان نقد کتاب، عرصه را بر پخته‌خواران و کتاب‌سازان تنگ کنیم تا این آفت مهلک از پیکره فرهنگ زوده شود. اگر رویه و روحیه نقد رواج یابد و هر کس، خود، اولین منتقد آثار خویش باشد و متولیان فرهنگ و ادب کشور هم دست کم سهم خود را در این جریان بدانند و باور کنند، دیگر هر کسی به خود جرأت نمی‌دهد دست به تألیف یا ترجمه و تصحیح متونی بزند که موضوعاً و مصداقاً کوچکترین صلاحیتی در آنها ندارد و هر ناشری هم به خود این اجازه را نمی‌دهد که دوغ را دوشاب کند و کالای کال خود را به ضرب رنگ و لعاب و به‌زور تبلیغات به مشتریان بی‌گناه ناآگاه قالب کند.

بر این اساس، اولویت تازه مرکز پژوهشی میراث مکتوب عبارت است از شناسایی و معرفی متون ارزشمند برای تصحیح، به منظور رونق بخشیدن به جریان احیاء نسخ خطی که در سال‌های اخیر آهنگ تندتری یافته، همچنین گسترده‌تر کردن دامنه نقد کتاب به منظور جلوگیری از جفای پخته‌خواران خام‌ذائقه که به یمن بی‌اطلاعی یا بی‌انگیزگی میزبان و فقدان قوانین قاطع و الزام آور، سایه چتر چپاولشان بر سر هیچ ساحتی از ساحت‌های فرهنگ نیست که نیست.

سردبیر

به محض فاش کردن عناوین این نسخه‌ها عده‌ای فرصت طلب که در صنعت کتاب‌سازی «ید بیضا» دارند و جمله امکانات هم، از «کرسی» و «لوح» و «قلم»، برایشان مهیاست، آستین بالا بزنند و در نهایت سرعت و سهل‌انگاری متن را به گمان خود تصحیح، ولی در واقع تخریب کنند و فوراً به دست چاپ بسپارند. آیا این باعث نمی‌شود که دیگرانی که شایسته‌ترند سرخورده شوند و خطر تصحیح مجدد متنی را که به هر حال چاپ و منتشر شده نپذیرند و به این ترتیب متونی ارزشمند برای همیشه فرصت انتشار به صورتی سزاوار را از دست بدهند؟ این مشکل تازه‌ای نیست. ما این دغدغه را به پشتگرمی تدابیری چند از خود دور کرده‌ایم:

اولاً، بسیاری از متونی که ما در میراث چاپ کرده‌ایم یا بزرگان فرهنگ و ادب هم‌اکنون در دست تحقیق و چاپ دارند، تصحیح مجدد کارهای ضعیف و ناقصی است که قبلاً چاپ شده است. البته گاهی هم بر کار گذشتگان ایراد چندانی وارد نبوده و گذشت زمان و به‌دست آمدن نسخه‌های دیگر و بهتر تصحیح مجدد را اقتضا کرده است.

ثانیاً، اگر صلاحیت و توانایی کسی در تحقیق و تصحیح یک متن برای ما محرز شود، با همه امکاناتمان به کمک او می‌آییم و لوازم کارش را هم فراهم می‌کنیم و خودمان برای چاپ و انتشار آن پیشقدم می‌شویم، ولی در عین حال بخلی هم در قبال تلاش محققان دیگر نداریم و اگر باخبر شویم افراد

